

تبدیل سازمان ملل به ابزار فشار آمریکایی ها

آرمان ملی؛ چند روز قبل خبر عدم صدور رواید برای محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، برای نشست سالانه آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین، باعث حیرت شد. حالا خبر آمده که آمریکا برای محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، برای نشست مجمع عمومی سازمان ملل نیز ویزا صادر نکرده است. تقارن این دو خبر پرسشی مهم ایجاد می کند: آیا دسترسی مقام های کشورهای مورد اختلاف به نهاد های بین المللی، به یکی از ابزار های سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است؟ البته این دو موضوع از نظر حقوقی یکسان نیستند. اتریش برای حضور اسلامی در نشست آژانس، از کمیته مربوط به تحریم های شورای امنیت درخواست معافیت کرد، اما این درخواست به نتیجه نرسید و آمریکا با آن مخالفت کرد. در مورد عباس، آمریکا خود میزبان نشست سازمان ملل است و دولت ترامپ تصمیم گرفته برای رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین ویزا صادر نکند.

❖ فشار خارج از اصول

در مورد اسلامی، آمریکا از طریق سازوکار تحریم های شورای امنیت بر امکان سفر یک مقام ایرانی اثر گذاشت، اما درباره عباس، آمریکا مستقیماً و به عنوان کشور میزبان مقر سازمان ملل مانع ورود او به نیویورک شده است. آمریکا و سازمان ملل در سال ۱۹۴۷ توافق نامه ای درباره مقر سازمان ملل امضا کردند که برای کشور میزبان تعهداتی ایجاد می کند تا نمایندگان کشورهای عضو برای انجام امور رسمی سازمان ملل به مقر این سازمان دسترسی داشته باشند. از همین رو، امتناع آمریکا از صدور ویزا برای یک مقام فلسطینی صرفاً یک تصمیم معمول مهاجرتی نیست. باید روشن شود حدود اختیار کشور میزبان در برابر تعهداتش نسبت به سازمان ملل کجاست و آیا اختلاف سیاسی می تواند به محروم کردن نماینده یک طرف از حضور در مقر سازمان ملل منجر شود. آمریکا مدعی شده تعهداتش در این باره مطلق نیست و می تواند محدودیت اعمال کند؛ اما چنین ادعایی با ماهیت برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل محل پرسش است. دولت ترامپ در مقایسه با دولت های گذشته، آشکارتر از محدودیت های خود استفاده کرده و اکنون کشور های دیگر، به ویژه اروپایی ها، باید درباره حدود همکاری با کشوری که چنین تفسیری از تعهدات بین المللی دارد، موضع خود را روشن کنند. این اولین بار نیست که محمود عباس از حضور در مجمع عمومی محروم می شود. آمریکا در سال ۲۰۱۵ نیز برای عباس و دیگر مقام های تشکیلات خودگردان و سازمان آزادی بخش فلسطین ویزا صادر نکرد و عباس به شکل ویدئویی سخنرانی کرد. گزارش هایی نیز درباره رایزنی مقام های اسرائیلی با دولت آمریکا درباره ویزای هیأت فلسطینی منتشر شد و وزیر خارجه اسرائیل از تصمیم واهنگتن استقبال کرد. با وجود چنین تجربه ای اکنون کشورهای جهان مشاهده می کنند که دلایل ایران برای محکوم کردن آمریکا به استفاده ابزاری از امکانات بین المللی تا چه اندازه با واقعیت همساز بوده است؛ آمریکایی ها بارها نشان داده اند که اصول بین المللی برایشان پیشیزی اهمیت ندارد.

آرمان ملی

آرمان ملی – حمید شجاعی؛ کشور در شرایط خاص و ویژه ای بسر می برد و همه به این موضوع معترفند و در چنین شرایطی انتظار می رود در مسیر همکاری دولت و سایر ارگان حاکمیت نیز تلاش خود را برای مدیریت شرایط و حل مشکلات به کار گرفته اند. هر چند برخی مسائل و مشکلات علل و عوامل خارجی دارند و نمی توان انتظار داشت در شرایط تحریمی، فشار اقتصادی و محاصره اقتصادی و دریایی وضعیت مانند شرایط عادی باشد. جامعه در شرایط بفرنج معیشتی و اقتصادی قرار دارد و رشد لجام گسیخته قیمت کالاها، تورم فزاینده، افزایش قیمت ارز، سکه و طلا و همچنین عدم ثبات اقتصادی باعث نارضایتی هایی شده است. مردم اما می دانند همه مشکلات ریشه داخلی ندارد و مسائل بین المللی نیز موثر است. با این وجود برخی جریانات با وجود علم به شرایط کنونی و لزوم حفظ انسجام، در صدد حمله به دولت نا کارآمد جلوه دادن آن هستند و با سوء استفاده از شرایط اقتصادی، دولت را مسبب و مقصر اصلی معرفی می کنند. در حالی که همین دولت در زمان جنگ به گواه همین مخالفان عملکرد اقتصادی مناسبی داشت و اجازه نداد مردم با کمبود کالاهای اساسی و مایحتاج روزانه مواجه شوند. حال اینکه چه شده امروز همان ها دوباره به دولت می تازند، باید آبشخور مساله را در جای دیگری دید؛ جایی که تند روها به جهت تسویه حساب های سیاسی دولت پزشکیان را مورد حمله قرار می دهند. این در حالی است که حمایت از مسئولان یکی از مهم ترین فزاهای بیابیه آخر رهبر انقلاب خطاب به جامعه و جریان های

آرمان ملی

آرمان ملی – حمید شجاعی؛ کشور در شرایط خاص و ویژه ای بسر می برد و همه به این موضوع معترفند و در چنین شرایطی انتظار می رود در مسیر همکاری دولت و سایر ارگان حاکمیت نیز تلاش خود را برای مدیریت شرایط و حل مشکلات به کار گرفته اند. هر چند برخی مسائل و مشکلات علل و عوامل خارجی دارند و نمی توان انتظار داشت در شرایط تحریمی، فشار اقتصادی و محاصره اقتصادی و دریایی وضعیت مانند شرایط عادی باشد. جامعه در شرایط بفرنج معیشتی و اقتصادی قرار دارد و رشد لجام گسیخته قیمت کالاها، تورم فزاینده، افزایش قیمت ارز، سکه و طلا و همچنین عدم ثبات اقتصادی باعث نارضایتی هایی شده است. مردم اما می دانند همه مشکلات ریشه داخلی ندارد و مسائل بین المللی نیز موثر است. با این وجود برخی جریانات با وجود علم به شرایط کنونی و لزوم حفظ انسجام، در صدد حمله به دولت نا کارآمد جلوه دادن آن هستند و با سوء استفاده از شرایط اقتصادی، دولت را مسبب و مقصر اصلی معرفی می کنند. در حالی که همین دولت در زمان جنگ به گواه همین مخالفان عملکرد اقتصادی مناسبی داشت و اجازه نداد مردم با کمبود کالاهای اساسی و مایحتاج روزانه مواجه شوند. حال اینکه چه شده امروز همان ها دوباره به دولت می تازند، باید آبشخور مساله را در جای دیگری دید؛ جایی که تند روها به جهت تسویه حساب های سیاسی دولت پزشکیان را مورد حمله قرار می دهند. این در حالی است که حمایت از مسئولان یکی از مهم ترین فزاهای بیابیه آخر رهبر انقلاب خطاب به جامعه و جریان های

«آرمان ملی» کلید خوردن استیضاح وزیر اقتصاد در مجلس را بررسی می کند

تکرار سناریوی همتی برای مدنی زاده؟



سیاسی بود.

❖ در مسیر استیضاح

سؤال و استیضاح از ابزار های نظارتی مجلس برای پاسخگو کردن وزراست و در شرایط عادی می تواند به اصلاح عملکرد دولت کمک کند؛ اما در شرایط ویژه و بحرانی، انتظار می رود همکاری و تعامل جایگزین تقابل شود. با این حال برخی جریانات داخل مجلس، استیضاح را وسیله ای برای سیاسی کاری و تسویه حساب با وزیر قرار می دهند، بی آنکه مشخص باشد این اقدامات چه کمکی به حل مشکلات کشور می کند. در همین راستا مجلس در پی استیضاح ۹ وزیر برآمده که برخی اعلام وصول و برخی در صف انتظار قرار دارند. علیرضا سلیمی، عضو هیات رئیسه مجلس گفته است: «علت استیضاح های این است که برخی وزرا در سطح شرایط جدید عمل

آرمان ملی

مشکل را از میان بردارند. امیرحسین ثابتي، نماینده تهران، آن زمان گفت: «چه کسی بهتر از آقای همتی می تواند برای دولت مانع ایجاد کند؛ چرا که با این دست فرمان قیمت ارز کار را خودش جلو می برد و دولت دیگر نیازی به دشمن ندارد». وی خطاب به پزشکیان نیز گفت: «و... قسم می خواهم به شما کمک کنم و عامل بخشی از گرانی ارز را از دولت شما بیرون بیاوریم». همتی استیضاح و از دولت کنار گذاشته شد، اما نه تنها قیمت ارز کاهش نیافت، بلکه افزایش بیشتری پیدا کرد. پس از آن برخی نمایندگان اذعان کردند که در استیضاح همتی اشتباه کرده اند و مشکل ارز جای دیگری بوده است. امروز شرایط اقتصادی دشوار تر است و کشور در وضع جنگ اقتصادی قرار دارد. با این حال مجلس بار دیگر به سمت استیضاح وزیر اقتصاد رفته است. در اینجا چند نکته قابل طرح است. نخست اینکه سازوکار تغییر قیمت ها صرفاً در اختیار وزیر اقتصاد یا دولت نیست و عوامل دیگری در آن دخیل هستند. بنابراین باید پرسید آیا استیضاح وزیر در شرایط کنونی واقعا می تواند تغییری ایجاد کند؟ کنار رفتن وزیر نیز می تواند یک وزارتخانه را برای ماه ها با بلاتکلیفی مواجه کند. از سوی دیگر باید روشن شود این اقدام قرار است کدام مشکل را حل کند و آیا صرفاً به یک اقدام سیاسی تبدیل نخواهد شد. در نهایت، نگاه مجلس به عملکرد وزرا باید در جهت منافع ملی و بهبود شرایط کشور باشد، نه اینکه با استیضاح اقدامی انجام شود و پس از مدتی همانند ماجرای همتی، نمایندگان از اشتباه خود سخن بگویند. مجلس باید در تعامل و همکاری با دولت باشد، نه اینکه در مسیر فعالیت آن اخلاص ایجاد کند.

❖ تکرار ماجرای همتی؟

اسفندماه سال ۱۴۰۳، با بالا رفتن قیمت ارز و سکه، نمایندگان مجلس به جای علت یابی و کمک به دولت، عبدالناصر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی را استیضاح کردند تا به زعم خود ریشه

«آرمان ملی» پیشنهاد خروج از NPT را بررسی می کند

ضرورت راهبردی یا هزینه دیپلماتیک؟

معاهده خارج شود. بنابراین، بحث بر سر وجود یا نبود چنین گزینه ای نیست. بحث بر سر این است که چه زمانی و با چه ادیاتی باید این گزینه را روی میز گذاشت. از سوی دیگر جامعه اسلامی مدیران باید توجه داشته باشد که از همان دوران برجام عده ای از فعالان سیاسی مخالفت آن بودند و آن را بی اثر می دانستند. صرف نظر از اینکه آیا برجام بی فایده بود یا نه، شائبه ای وجود دارد که برخی جریان های سیاسی واقعیت را قلب شده در رسانه های خود منعکس می کردند، مانند ماجرای بتن ریزی در نیروگاه اراک. یعنی مخالفت با پیمانی ماندن برجام به ابزار سیاسی سنگینی بدل شد که تا خروج از NPT امتداد داشت.

امار دیپلماسی، داشتن یک گزینه با اعلام عمومی و تبدیل کردن آن به مطالبه سیاسی تفاوت دارد. مذاکره کننده ممکن است بخواهد خروج از NPT را به عنوان یکی از گزینه های نهایی در اختیار داشته باشد تا در صورت شکست سایر مسیرها، از آن استفاده کند، اما اگر این گزینه از پیش به مطالبه ای عمومی و پرنرگ تبدیل شود، طرف مقابل نیز می تواند محاسبات خود را بر اساس آن تنظیم کند. از این نظر پیشنهاد جامعه اسلامی مدیران را ناپهنگام می توان دانست.

❖ موضوعی پس سترگ!

کسانی که در این زندگی می کنند، بخصوص فعالان سیاسی به خوبی می دانند تصمیم های کلان در چه ساحتی گرفته می شود و تقریباً با فرآیند رسیدن به تصمیم آشنا شده اند، اما این موضوع زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که طرف های خارجی به دلیل عدم آشنایی به فرایند تصمیم گیری در ایران، اظهارات جریان های سیاسی داخل ایران را بخشی از فضای تصمیم گیری کشور تلقی کنند. ممکن است مذاکره کننده ایرانی در میز مذاکره بگوید هنوز تصمیمی برای خروج گرفته نشده است اما طرف مقابل هم زمان بیانه هایی را ببیند که خروج را ضرورت راهبردی می دانند. جریان های مانند جامعه اسلامی مدیران باید پاسخ دهند که در این صورت نتیجه چه خواهد بود؟ دست کم این احتمال وجود دارد که فضای مذاکرات از مسئله اصلی، یعنی رسیدن به یک توافق یا ترتیبات قابل قبول، به مسئله مهار پیمادهای احتمالی خروج ایران منتقل شود. البته

روشن است که این به معنای آن نیست که جریان های سیاسی داخلی نباید درباره NPT اظهارنظر کنند. اتفاقاً در یک نظام سیاسی، بحث درباره مهم ترین مسائل امنیت ملی طبیعی است. مسأله این است که آیا هر موضوع داخلی الزاماً به تقویت موضع رسمی کشور در یک کمک می کند؟ ممکن است طرفداران خروج استدلال کنند که تهدید به خروج، هزینه فشار بر ایران را افزایش می دهد و طرف مقابل را به تجدید نظر وادار می کند. این استدلال قابل طرح است. اما سوی دیگر ماجرا نیز باید دیده شود. خروج از NPT می تواند موضوع ایران را بیش از گذشته در چارچوب نگرانی های مربوط به عدم اشاعه هسته ای قرار دهد و دامنه بحث را از اختلاف ایران و

غرب درباره تحریم ها و حقوق هسته ای، به مسأله ای گسترده تر درباره رژیم عدم اشاعه بکشاند. آیا جریان هایی مانند جامعه اسلامی مدیران به این موضوع توجه دارند؟ باید تأکید کرد که از این زاویه پرسش اصلی این نیست که خروج از NPT خوب است یا بد. کاملاً بدیهی است که چنین قضایاتی نیازمند بررسی مجموعه ای از ملاحظات امنیتی، حقوقی و سیاسی است و کاری است سترگ؛ پرسش دقیق تر این است که آیا اعلام زود هنگام و پرنرگ چنین گزینه ای، قدرت چانه زنی ایران را افزایش می دهد یا بخشی از قدرت مانور آن را مصرف می کند؟ احتمالاً جریانات سیاسی می دانند که در مذاکرات، مذاکره کننده زمانی قدرت بیشتری دارد که بتواند چند گزینه متفاوت را روی میز نگه دارد و زمان انتخاب میان آنها را خودش تعیین کند. اگر یکی از گزینه ها پیشایش به مطالبه قطعی تبدیل شود، بخشی از انعطاف از میان می رود. این قاعده درباره همه طرف های مذاکره صادق است و منحصر به ایران نیست. از سوی دیگر باید تأکید کرد که اختلاف دیدگاه میان تشکل های سیاسی و دولت نكوهیده و منفی نیست. دولت می تواند موضع خود را داشته باشد و گروه های سیاسی نیز دیدگاه متفاوتی ارائه کنند، اما هنگامی که موضوع مورد بحث مستقیماً با پرورده هسته ای، تحریم ها، آژانس و شورای امنیت ارتباط دارد، فاصله میان موضع سیاسی داخلی و پیام خارجی بسیار کمتر می شود و این دقیقاً همان جایی است که تشکل با سابقه ای مانند جامعه اسلامی مدیران باید به آن توجه کافی داشته باشد.

گزارش

«آرمان ملی» از تکیه چین و روسیه به برجام گزارش می کند
برجام: عبرت یا ظرفیت؟



آرمان ملی؛ وتوی پیش نویس قطعنامه آمریکا علیه ایران که پنجشنبه گذشته توسط چین و روسیه در جلسه شورای امنیت سازمان ملل انجام شد، برای بسیاری در داخل ایران، به عنوان یک پیروزی و همچنین خوشحال کننده قلمداد شد و پیام های قدردانی یک به یک از تهران به سمت مسکو و پکن روانه شد. اینکه چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل در این شرایط حساس برای ایران از کارت وتوی خود استفاده کردند موضوعی است که ساعت ها می توان در مورد سخن گفت و تحلیل کرد و در این اتمسفر تحلیلی، عده ای اعتقاد دارند که روسیه و چین در شورای امنیت و سازمان ملل در اقلیت هستند و اکثریت با مدار غربی است و عده ای هم اعتقاد دارند که فرارغ از این تحلیل به هر ترتیب مسکو و پکن از تنها کارت خود یعنی وتو به نفع ایران استفاده کرده اند اما نکته مهمی که در این راستا باید مورد نظر قرار بگیرد، اشاره هر دو کشور در این جلسه به موضوع قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. مساله اصلی این است که پیش نویس این قطعنامه برای تمدید ماموریت هیات کارشناسان (PoE) کمیته ۱۷۳۷ شورای امنیت که ذیل دستورکار «عدم اشاعه» مطرح شد، اساساً یک بازی مشخص و از پیش طراحی شده از سوی ایالات متحده و تروئیکای اروپایی در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی بود که زمینه سازی برای مطرح شدن در شورای امنیت قلمداد می شد و بر همین اساس ریشه مساله باز هم به قطعنامه ۲۲۳۱ و حتی برجام برمی گردد؛ چرا که مساله هسته ای دقیقاً از موضوعاتی بود که در برجام و همچنین قطعنامه مذکور آمده است. نکته مهم در این میان این است که واسیلی نینزیا سفیر و نماینده روسیه در شورای امنیت صراحتاً در مخالفت با پیش نویس ایالات متحده اعلام کرده بود که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی و از دستور کار خارج شده و بنابراین برگزاری نشست شورای امنیت بر سر این موضوع، کاملاً فاقد وجهات قانونی و رویه ای است. او حتی مکانیسم «اسنپ یک» علیه ایران را نیز فاقد هرگونه وجهات قانونی دانست و گفت که ما تلاش برخی اعضا برای ایجاد توهم مشروعیت از طریق ادعاهای مربوط به مکانیسم «اسنپ یک» (با زگشت خودکار تحریم ها) را به طور قاطع رد می کنیم. نماینده چین در سازمان ملل صراحتاً اعلام کرد که شورای امنیت بررسی پرونده هسته ای ایران را به پایان رسانده است و نباید به سکویی برای پیشبرد اهداف یک جانبه گرایانه تبدیل شود و او هم صراحتاً به انقضای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت اشاره کرده است که نشان از تأکید این دو کشور بر مبنای غیرحقوقی جلسه شورای امنیت بوده است. اما آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که همچنان چین و روسیه به عنوان حامیان ایران در شورای امنیت و سازمان ملل نیز مبنای ارجاعات سیاسی و حقوقی خود را قطعنامه ۲۲۳۱ می دانند که به نوعی باید آنرا خروجی انعقاد برجام بدانیم.

❖ عواید برجام

از روزی که برجام توسط دولت روحانی و تیم حقوقی- سیاسی وزارت خارجه و با تأییدات رهبر شهید و مجموعه نظام به امضا رسید بسیاری در داخل کشور بارها بر طبل مخالفت با این توافق کوبیدند و آنرا دارای هیچ نوع خروجی مثبت برای کشورمان قلمداد کردند و حالا هم دقیقاً تانه نامی از مذاکره به میان می آید، همان مواضع کهنه و پوسیده قدیمی را مطرح می کنند؛ اما هیچگاه به ظرفیت سیاسی و حقوقی که برجام ایرجاد کرد اشاره نمی کنند. بدون شک برجام، عایدات زیادی برای کشور داشت که خیلی ها سعی می کنند در مورد آن بی صحبت نکنند یا اینکه نگذارند واقعیت های سیاسی، اقتصادی و حقوقی آن برای افکار عمومی به صورت حقیقی و حقوقی کالبد شکافی شود. مساله دیگر این است که قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۲۶ مهر ۱۴۰۴ منقضی شد و به نظر می رسد که همین مساله به جواز برای حمله به ایران تبدیل شد. اینکه قبل از ابطال این قطعنامه نیز به ایران در قالب جنگ ۱۲ روزه حمله شد، موضوعی غیر قابل کتمان است، اما از حیث شکلی شاید بتوان گفت که اختفای این قطعنامه تا حدودی حملات مذکور را تسهیل کرد. نکته نهایی کارکرد این قطعنامه و برجام بود. ایران بعد از برجام ذیل فصل هفتم قرار نگرفت، در حالی در گذشته قرار داشت و برجام توانست این کار را انجام دهد و حالا با هم موضوع اسنپ یک و ماجراهای دیگر مطرح است که به نظر می رسد این سناریو در امتداد اقدامات اقتصادی آمریکا علیه ایران و همچنین تحرکات سیاسی آنها در منطقه برای اتلاف سازی علیه تهران به عنوان یک مکمل مشخص در حال رونمایی است. لذا مخالفان برجام برای یکبار هم که شده، استنادات نماینده چین و روسیه در جلسه پیشین شرای امنیت را بخوانند تا بفهمند، برجام و قطعنامه ناظر بر آن چه ظرفیتی را ایجاد کرده بود.